

تاریخ مذهبی ایران باستان

مهر پرستی یا آیین مهر یا میترائیسم از دین‌های باستانی ایرانیان بود که بر پایه ایزد ایرانی مهر و دیگر ایزدان ایرانی بنیاد شده بود. مهرپرستی در حدود بیش از ۵۰۰۰ سال پیش در میان ایرانیان ساکن دشت مغان به وجود آمده اما بنا به دلایل مذهبی پیدایش آنرا به زمان تولد عیسی پیامبر ترسایان نزدیک می‌کنند! این آیین از سده نخست میلادی در شاهنشاهی روم همه گیر شد کرد و بنا به روایتی دیگر مدت پیش از آن به اروپا راه یافت. این دین در سده‌های سوم و چهارم میلادی (میلادی) به اوج خود رسید و بویژه در میان سربازان رومی باورمندان بسیاری داشت. پس از فرمان تئودوس در ۳۹۱ میلادی که طی آن همه کیش‌ها و آیینهای غیرمسیحی ممنوع اعلام شد آیینهای مهرپرستی نیز در مغرب‌زمین رفته رفته از رواج افتاد. گرچه نمادها و پرستش‌گاه‌های آن در سراسر اروپا و مفاهیم آیین ترسایی (مسیحی) و رفتارهای ترسایان (مسیحیان) بهقی مانده. مانند سالروز تولد مسیح که معادل با شب یلدا سالروز تولد میترا است و بنا به دلایل تقویمی (اشکال تقویم رومی‌ها در محاسبه کیسه) جا به جا شده است و حتی نام مسیح برای عیسی پسر عمران از همین آیین گرفته شده. چلیبا یا گردونه مهر که نماد اصلی ترسایی (مسیحیت)

صلیب، برگرفته از آن است نماد دیگری از زایش دوباره آیین مهری در دل ترسای است.

پیشینه و مفاهیم

پیش از ظهور زرتشت آریائیان در قالب زروانگیری، مهرپرستی نیز اختیار کردند. (کلمه مهر را دارمستتر به معنی دوستی و محبت می دانند. یوستی می گوید که مهر واسطه و رابطه فروغ محدث و فروغ ازلی و به عبارت دیگر واسطه بین آفریدگار و آفریدگان است. در گات ها کلمه میترا به معنی عهد و پیمان آمده است. مهر در اوستا از آفریدگان اهورامزدا محسوب شده و ایزد محافظ عهد و پیمان است و از این رو فرشته فروغ و روشنائی است تا هیچ چیز بر او پوشیده نماند. ماه هفتم سال و روز شانزدهم هر ماه و یشت دهم اوستا و جشن مهرگان مخصوص او است. کیش مهر از ایران به بابل و آسیای صغیر رفت و سپس پرستیده شد و به این گونه آئین مهرپرستی پدیدار گشت. (فرهنگ معین)) در کتیبه های هخامنشی میتر (Mithra) آمده که تلفظ اوستائی مهر است. در سانسکریت میترا

(Mitra) و در پهلوی میتر (Mitr) و در پارسی مصطلح امروز مهر خوانده می شود . کهن ترین سند نوشته شده الواح گلینی است متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح که در کاپاتوکا (Kapatuka) از شهرهای آسیای صغیر، در محلی به نام بغازکوی پیدا شد. در کنار نام این دو خدا، نام دو خدای کهن هند و ایرانی ایندرا (Indra) نساتی

(Nasatya) نیز آمده است. در اوستا میترا مقام شامخی دارد و در زمان پیش از اوستا و

رستاخیز زرتشتی، بزرگ‌ترین خدا به حساب می‌آمد. این نشانه λ که صلیب (چلیپا)

شکسته نامیده شده است، در حقیقت صلیب شکسته نیست. این نشانه آریائی است، زیرا در

ایران و هند هزاران سال پیشینه دارد. این نشانه λ نخستین بار در حدود خوزستان یافت شده

و مربوط به هفت هزار سال پیش از میلاد می‌باشد به این ترتیب پیشینه تاریخی آن در ایران

بسی کهن‌تر از پیشینه آن نزد آریائی‌های هند است و هرتسفلد (Herzfeld) آن را

گردونه خورشید نامیده است. در گرمی (Germi) مغان آذربایجان گورهای خمره‌ای از

دوره اشکانی به دست آمده که در میان آنها پارچه‌ای بسیار زیبا یافت شده است که دارای

این نقش می‌باشد. همچنین این نگاره بر دهانه پاره‌ای از خمره‌های سفالین که مرده‌ها را

در آن می‌گذاشته‌اند دیده شده است در مواردی دیگری چون جام تپه‌حسنلو، جام

زرکلاردشت، گردنبند عقیق مربوط به دوره اشکانی، گردنبند زرینی مربوط به ۷ هزار

سال ق م در رودبار گیلان این نگاره به چشم می‌خورد. گردونه خورشید نخست به این

شکل λ بوده و کم‌کم خطوط منحنی از بین رفته گاهی به صورت + و گاهی با خطوط

شکسته ولی با زاویه‌های ۹۰ درجه ترسیم شده و شکل هندسی و ترکیب کامل یافته است.

اقوام باستانی بسیاری از جانوران را می‌پرستیده‌اند و از همین جا توتمیسم

(Totemisme) پیدا شده است. یکی از این حیوانات بز کوهی است که مظهر

سودرسان طبیعت، یعنی خورشید بوده است این نقش بر ظروف بازمانده از سده‌های پیش

از میلاد دیده شده و مهم تر از همه رابطه‌ای است که مردم باستانی میان هلال ماه و خورشید و شاخ بز کوهی قرار داده بودند. در بسیاری از سفال‌ها در میان انحنای شاخ این جانور و نیز بر پشت آن نشانه + یا X دیده می‌شود. مثلاً بر لیوان سفالین مربوط به ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد که در سیلک کاشان به دست آمده نگاره + در زیر انحنای شاخ گوزن پیدا است. در کتاب مذاهب بزرگ جهان تصویری است که از کف پای بودا و بر آن نگاره‌هایی است که شناساننده و باورها و آئین و سمبول‌های او است از جمله بر چهار انگشت پای وی نشانه گردونه مهر دیده می‌شود. شمال و شمال باختری ایران مرکز مهرپرستان بوده است. پلوتارک (پلوتاریک یا پلوتارخوس = Plutarkus - در سال ۴۶ پس از میلاد زاده شده و در سال ۱۲۰ در گذشته). می‌گوید: "هرمزد در عالم معنوی به نور همانند است و اهریمن به تاریکی و میان این دو مهر قرار دارد". (اوستا - یشت‌ها، گزارش پورداود ص ۴۰۱) زرتشت برای گسترش مزداپرستی از اهمیت ایزدان دیگر کاست و مهر را که پایه خدائی گرفته بود یکی از ایزدان کیش خود به شمار آورد. با نگرش به اینکه نشانه گردونه مهر به شاهین و فروهر هم بسیار نزدیک است می‌توان پنداشت در زمانی که از اهمیت مهر کاسته شده نشانه مقدس میترائیسم رفته‌رفته به شاهین مبدل شده و این شاهین و نگاره فروهر تمام جاذبه معنوی و روحانی این نشانه را گرفته و مظهر فر و شکوه مینوی گردیده است. هم‌اکنون این نقش را به گونه‌ای دیگر بر کاشی کاری سردرب خاوری آرامگاه بایزید در بسطام می‌توان دید. میترا به معنای رفیق و همدل یک‌دل و

یاری کننده است. آدیت‌ها فرزندان آدیت (Aditi) بوده و جزء هفت خدایانی هستند که

در آسمان زندگی کرده‌اند و مافوق آنها وارونا است (Varunan). که پرشش خدا

سروری دارد و آدیت خوانده می‌شود، و میترا بلافاصله پس از او قرار دارد. در کتب

هندوئی، میترا در شکل و هیئت خداوند خورشید کمتر ظاهر می‌شود، که مشهورترین آنها

سوری (Surya) یا سویتری (Savitri) است که خود هفتمین آدیتی نیز هست.

وارونا، خدای آسمان و رب‌النوع شب نیز هست. میترا خدای روشنائی و نور و خدای

موکل روز است. برای این دو خدای شب و روز، مراسم مشترکی برپا می‌کنند. میترا و

وارونا از خدایان کهن هندوها هستند و گاهی آنها را بزرگ‌ترین خدایان خوانده با

اورانوس (Uranos) یونانیان برابر می‌دانند. میترا، خداوند آب‌ها و دریاها نیز هست و

یکی از صفات او اود - دام (Ud-dama) یعنی محاصره کننده است و همسر او وارونی

(Varuni) الهه شراب است و در اساطیر گاهی با نام‌های چون سورا (Sura) یا ماد

(Mada) نیز خوانده می‌شود. در تأویلات اساطیری، به‌ویژه با وجود مشابهاتی در اوستا و

منابع پهلوی و آئین مهر بین میترا و گاوکشی رابطه‌ای می‌توان دید. خدایان در صدد

برآمدن گاو مقدس را که وهجرگا آفریده بود از بین ببرند و سرانجام همین کار را

کردند. کشته شدن گاو مقدس و جاری شدن خون او بر روی زمین موجب رستاخیز

طبیعت و به‌وجود آمدن انواع جانوران و گیاهان شد. بعدها در پرده‌های نقاشی در

مهراب (مهرآب - دریا پنجره‌ای که به طرف آفتاب باز می‌شد و مؤمنان به طرف خورشید

اهورامزدا را پرستش می کردند (به معنای مکانی به طرف خورشید)) همه مهرابه‌ها با تغییراتی جزئی، قربانی کردن گاو را ترسیم کردند. غار با سقف نیلگون و تزئین ستاره‌ای، کنایه از آسمان و کل جهان بود و به همین جهت محل ورود و حواشی غار را با گل و گیاه تزئین می کردند و جریان آبی را به داخل مهرابه جهت شستشو برمی گرداندند. همین امر باعث شد که در فصل بهار قربانی گاو انجام شود و چنین تفسیر گردید که اگر خون گاو بر روی مزارع و دشت‌ها و بیشه‌زارها بریزد، طراوت و فراوانی در طبیعت از سر گرفته می شود. دم گام دارای نقش موثری است، زیرا خوشه‌های گندم از آن تولید می شود. پس از رستاخیز بهار و گذر تابستان و پائیز، ناگهان زمستان همه چیز را تباہ می کرد، سبزی و طراوت و شادابی و زندگی طبیعت خاموش و راکد می ماند، اما با طلوع بهار، قتل گاو منجر به آفرینش دوباره زندگی بر روی زمین می شد. در بابل، سومر، چین، ژاپن، سوریه، روم، یونان، مصر، هند و جاهائی دیگر این روایت و همانند آن موجود بود. و به تدریج کشتن گوسفند و بز و خروس باب شد. به موجب بند هش و برخی دیگر از منابع پهلوی چون زمینه خرد، جاماسپ‌نامه و دینکرد، اهریمن به نخستین آفریده اهورامزدا در نبرد میان خیر و شر دست یافت و گاو کشته شد، آنگاه از خون و پیکر آن انواع گیاهان و جانوران در پهنه زمین به وجود آمد و آنگاه که اهریمن در صدد برآمد که نطفه گاو را از بین ببرد، نطفه به کره ماه انتقال یافت، به همین سبب رویش گیاه و ازدیاد نسل جانوران با ماه پیوند یافت (رجوع شود به کتاب آئین مهر، میترائیسم ص ۸۰) این روایات از ایران به اروپا رفت

و رازها و ابهامات تازه‌ای بر آن افزوده گشته گاوکشی و گوسفندکشی در آنجا رونق گرفت. میثرا یا مهرنیز در اوایل بهار زندگی جدیدی به خود می‌گیرد. کشته شدن گاو به دست او منجر به تجدید حیات در طبیعت می‌شود و سپس در آغاز زمستان ناگهان ناپدید شده سوار بر ارابه خود به آسمان بالا می‌رود. موردی که جای بسی شگفتی است، زایش میترا است، چون وی از پاره سنگی زاده می‌شود. لیکن لوحی یافت شده که میترا را در حال زایش از یک درخت نشان می‌دهد. او ابتدا در شکم درخت جای دارد اما بعد شاخه‌ای شکفته میترا مانند گلی از آن تولد می‌شود. افسانه‌های آت تیس (Attis) و آدونیس (Adonis) و ازیریس (Osiris) شباهت تامی با اسطوره میترا دارند. غسل تعمید مسیحیان، ظرف آب متبرک در کلیسا، سقاخانه‌ها و حوضچه‌هایی که در مدخل مساجد و تکیه‌ها برپا می‌کردند همه از یادگارهای کیش میترا است، زیرا که در مهریشت به روشنی از غسل و شستشو در آئین میترا یاد شده است. آئین مسیحیت از کیش میترا متولد شد. همان طوری که در مهرابه‌ها چشمه آب جاری بود، مسیحیان نیز روی بدنه تابوت‌های آنها صحنه جاری شدن آب از چشمه به وسیله موسی کلیم را حک می‌کردند. (در سفر خروج باب هفده آیه‌های ۷-۳ چنین آمده که یهودیان پس از خروج از مصر دچار بی‌آبی شده و با موسی معارضه کردند. موسی به خدا متوسل شد که این قوم مرا سنگ‌سار خواهند کرد، اندیشه‌ای بساز. خدا گفت عصایت را به صخره هوریب (Horib) بزنی تا آب روان شود و موسی چنین کرد. بعد قدیسان ادیان رواتی در معجزه

بیرون آوردن آب از زمین یا سنگ ساختند و این کار از معجزات به شمار آمد. در نقش‌ها و تابلوهائی که یافت شده، مرشد مهری، یا مغان میترا، در حال تعمید مؤمنان مشاهده می‌شود. علت اصلی اهمیت فوق‌العاده‌ای که برای شستشو در رم قایل می‌شدند همین اعتقاد به میترا بود. ماهی نیز یکی از نشانه‌های مسیحی بود که در قرون ابتدائی برای شناسائی هم چون رمزی از آن بهره می‌جستند. این نیز چون غسل تعمید، نشان و رسمی بوده از کیش میترا. در یکی از مهرابه‌های اروپا، برابر پای میترا یک ماهی نقش شده و این رمز و نشان مسیحیت، نشانه‌ای است از کیش میترا. بسیاری از رموز و اسرار میترا برخلاف آنچه مشهور شده، اصل و بنیان ایرانی خود را حفظ کرده است. آنچه امروزه به نام غسل تعمید میان مسیحیان متداول است مانند بسیاری از مراسم و آداب دیگر، از آریاها اقتباس شده است. ناگفته نماند که این عمل در زمان اقتباس در میان اقوام آریا بسیار کهنه و زمان گرفته بود. در هند، تبت، روم، یونان و مصر نیز که بعدها غسل تعمید رایج شد، این آئین را از ایرانی‌ها گرفته بودند. در تبت، چون چند سالی از تولد کودک می‌گذشت، طی مراسمی در معبد و در برابر آتش به غسل تعمید او اقدام می‌شد. به نام نامی خورشید، کودک را در حالی که سرودهای مقدس می‌خواندند سه بار زیر آب فرو برده بر او اسمی می‌نهادند و علامت صلیب را بر سینه تعمید یافتگان نقش می‌کردند. نکته مشترک آن بود که در این مراسم به نام خورشید، به خدای خورشید متوسل می‌شدند. غسل تعمید فقط در ایام کودکی انجام نمی‌شد، بلکه در سنین بلوغ نیز جوانان را غسل تعمید می‌دادند تا از

گناهان و آلودگی‌ها بری شوند و این غسل حکم آن را داشت که تولید مجدد یافته باشند. میان زرتشتی‌های قدیم و ایرانیان پیش از اشوزرتشت نیز غسل تعمید کودکان در مهرابه‌ها و آتشکده‌ها مرسوم بود. در مهرابه‌ها برابر آتش، به نام خدای خورشید، کودکان توسط مغان در آب فرو برده شده پس از آن نام‌گذاری می‌گردیدند. اساس تثلیث مسیحیت نیز مبتنی است بر تثلیث‌هائی که از هندوان و ایرانیان گرفته شده است. تثلیث میترائی عبارت است از: میترا و کوتس (Kotes) و کوتوپاتس (Kotopates) و کوتوس و کوتوپاتس که به اسم کوت (Kot) و کوتوپات (Kotopat) نامیده می‌شوند نقش دو جوانی که هنگام تولد میترا از صخره در آنجا حضور دارند. مهرپرستان این دو جوان را دو شبان می‌دانند. در بیشتر نقش‌هائی که از میترا یافت شده این دو شبان حضور دارند که یکی از آنها در طرف راست میترا و دیگری طرف چپ او است و هر کدام مشعلی در دست دارند. مشعل کوت به سوی آسمان افراشته شده و کنایه از طلوع آفتاب است و مشعل کوتوپات به سوی زمین سرازیر است که کنایه از غروب آفتاب می‌باشد و خود میترا در میان خورشید به هنگامی که میان آسمان می‌درخشد. در متون اوستائی و منابع پهلوی، میترا ایزدی است که در رویداد قیامت و مسأله سنجش اعمال در روز واپسین و داوری در کار ارواح دخالت دارد. چنانکه در مهریشت وی داور ارواح مردگان خوانده شده است. در اوستا، میترا و خورشید به هم بسیار نزدیک هستند. وظیفه میترا پس از قربانی کردن گاو در روی زمین تمام شده آماده معراج و بالا رفتن به آسمان می‌شود. اما پیش از آنکهک به

معراج بروم مجلسی برای شام ترتیب می دهد که شام آخر نامیده شده و در واقع به شکرانه پیروزی میترا و تودیع او با یاران انجام گرفته است. مسیحیان به طور کلی همه مراسم و آداب میترائیسم را به خود منتسب ساختند. مراسم عشاء ربانی و شام مقدس، که در آن عیسی مسیح با حواریون خود شام خورد و پس از آن به صلیب کشیده شد و به آسمان صعود فرمود، همه و همه از مراسم میترائیسم گرفته شده است. چون پیروان میترا از زبان یونانی هم استفاده می کردند در نام گذاری این هفت مقام نیز زبان یونانی را به کار گرفته اند. میترا پس از کشتن گاو و ضیافت مقدس، با گردونه آفتاب به آسمان صعود کرد که به زعم آریائیان هنگام رستاخیز به عنوان یک ناجی یا سوشیانت به زمین باز خواهد گشت. در کیش مانی نیز میترا نجات بخش جهان در رستاخیز پیش از اشتعال جهان معرفی شده است. میترا در آسمان هادی ارواح مؤمنان است. ارواح بایستی از هفت سپهر بگذرند تا سرانجام در فلک هشتم منزله و پاک به وسیله اهورامزدا وارد نور محض شوند. برای مؤمنان رسیدن به مقام والا مستلزم آن بود تا هفت دوره تصفیه و تزکیه را بگذرانند. کسانی که از مرحله ششم گذشته به مقام هفتم می رسیدند بسیار اندک بودند، ولی اینان بودند که به وسیله خود اهورامزدا و میترا در فروغ جاودانی و آخرین پایه آسمانی جای می گرفتند. - مقام اول، مقام خدمتکاران مهرا به بوده است. کسانی که می خواستند در زمره پیروان در آیند، زیر نظر پدر مقدس به جرگه مؤمنان پذیرفته می شدند. - مقام دوم، کری فیوس بود که برخی از پژوهندگان آن را مقام کرکس معرفی کرده اند. باید این مقام

را مقام پوشیدگان دانست. در تصوف و عرفان اسلامی ایران، این مرحله یکی از درجات سلوک است که به اتحاد خالق و مخلوق اسلامی ایران، این مرحله یکی از زنان را در آئین راهی نیست. - سومین مقام، منصب سرباز است. در متن اوستائی مهریشت، میترا خدای شکست‌ناپذیر جنگ است و سربازان و جنگاوران در آوردگاه از او یاری می‌جویند و میترا نیز به سرعت به یاری آنها می‌شتابد. جنگاوران مهر آئین، همواره پیروزی را از آن خود می‌دانستند. در بندهای اولیه مهریشت می‌توان به مقام سرباز و روابط او با میترا و چگونگی حمایت میترا از وی پی برد. علامت و نشان سرباز، کوله‌پشتی و کلاه‌خود و نیزه است. سربازان میترا در دو جبهه مشغول جنگ بودند. اول جنگ‌های معمولی بود که برای نگهداری کشور و گسترش آن صورت می‌گرفت. آنچه مهم‌تر بود جنگ و ستیز با نیروهای شر و اهریمنی بود. - چهارمین مقام، منصب شیر بود. در پرده‌های نقاشی و سنگ برجسته‌های منقوش، نقش شیر فراوان است و همین عمل سبب شد که بعد از اسلام، به‌ویژه در زمان سلجوقیان، علامت شیر و خورشید بر پرچم‌ها نقش بست، در این پرده‌ها کسانی که به مقام چهارم رسیده‌اند گاه در حال خدمتگزاری و گاه در حال اهدای هدایا به حضور میترا نشان داده شده‌اند. این طبقه نیز ناگزیر از گذراندن آزمایش‌هایی بودند که البته دیگر تحمل ریاضات و شکنجه‌های بدنی نبود، بلکه باید به ورزش‌های روانی، شایستگی اخلاقی، وحدت ذهنی و خلاصه فهم اسرار دست می‌یافتند. روایات رمزی میترائی، حاکی از آن است که در واپسین روز از عمر جهان، آتش‌سوزی بزرگی رخ

خواهد داد. در این آتش سوزی ناپاکان خواهند سوخت و پاکان مثل اینکه در چشمه‌ای شستشو می‌کنند، آسایش خواهند داشت. - پنجمین مقام، مقام پارسی بوده است که گذشته از وجوه رمزی، کنایه‌ای است که با طبیعت و روئیدن گیاهان پیوند دارد و میان پیروان کیش میترا، نشان آزادی و آزادگی بوده است. - ششمین مقام، منصب خورشید است، سل خدای خورشید در میان رومیان و هلیوس خدای خورشید در اساطیر یونان باستان است. - مقام هفتم، والاترین و عالی‌ترین مرحله تشریف برای یک سالک میترائی بوده، این مقام را مقام پتر یا پدر و پدرپدران می‌نامیدند. پدران در حقیقت عالی‌ترین مناصب را در آئین میترائی داشتند و همین لقب را عیسویان از مراسم میترائی اقتباس کردند و به خود نسبت دادند. هفت منصب روحانی و هفت مقام برای تکمیل و ارتقاء مدارج در میان فرقه باطنیه یا اسماعیلیان تقلیدی از همین بنیان میترائی بود. میان صوفیه نیز هفت وادی سلوک براساس همین هفت مرحله میترائی بنا شد.

رده‌های مهرپرستان

هفت مقام روحانی به ترتیب عبارتند از: نخست مقام کلاغ (Corax) که آن را پیک نیز می‌گویند، دوم مقام کری فیوس (Cryfios) یا کریپ توس (Cryptus) که به معنای پنهان و پوشیده است، سوم مقام سرباز (Miles)، چهارم مقام شیر (Leo) پنجم مقام پارسی (Persis-Perses)، ششم مقام خورشید (Helodromus)، هفتم مقام پدر

(Pater) یا پدر پدران (Pater - Patrum) که افرادی مقدس و رهبران مذهبی شمرده

می شدند. بدین ترتیب، جز در مراسم ویژه مذهبی، بیش تر وقت افراد در مهرابه‌ها

(نیايشگاه‌های مهری) به تمرین بدنی می گذشته است (چراکه طبیعتاً بیش تر افراد در

مراحل پایین تر می بوده اند). در دوره‌ی اسلامی نیز این رسم به شکل زورخانه‌ها بر جای

ماند، اگر به شکل زورخانه‌ها دقت کنید دقیقاً به مانند مهرابه است، همیشه چند پله به پایین

می خورد، تنگ و معمولاً نسبتاً تاریک است و نیاز به شمع و مشعل دارد. تفاوت در آن

است که در مهرابه‌ها مهر را ستایش می کرده‌اند، و در زورخانه‌ها علی ابن ابوطالب (امام

اول شیعیان - چهارمین خلیفه امپراطوری اسلامی) را، که گاه حتی (به مانند مهر) او را به

مقام خدایی می رسانند.

سرانجام آیین مهری

گرچه در اروپا و ایران پس از حملهٔ اعراب آیین مهری سرکوب شد و از میان برداشته

شد اما نشانه‌های واضح و روشنی از آن امروز در میان ایرانیان که وارثان اصلی آیین مهری

بودی اند به جای مانده که از آن جمله عبارتند از:

صوفی گری و درویشی، زورخانه و ورزش باستانی، زیارت گاه‌های امام زادگان در

سراسر ایران، جشن های مهرگان و شب یلدا (شب تولد مادر خدا میترا) و...

در اروپا نیز علاوه بر وجود خرابه‌های پرستشگاه‌های مهری در دین ترسایی و مراسم آن نیز نمادهای واضحی از مهر پرستی دیده می‌شود که از آن جمله است Priest, pope : که واژه‌های ایرانی مهری بر گرفته از پرستار (پرستار) و مقم پدر در آیین مهری است و همچنین بابائوئل که همان لباس و سرو وضع مغ‌ها (روحانیون آیین مهری) را دارد و از همه جالب تر درخت کاج شب کریسمس که همان سرو ایرانی است و از نماد های آیین مهری .

نمادهای مهری

مهر، چنانچه گفته شد، خدایِ روشنایی و آتش بوده است، چنانچه خود نیز به تعبیری آتش گونه است، بدین ترتیب روش است که هر آتش و نوری نشانی از مهر تصور می‌شده است . آتشی که زرتشتیان روشن نگاه می‌داشته‌اند به تقلید از مهرپرستان بوده، و به ستایش او، و نیز خورشید به عنوان نمادی از مهر ستایش می‌شده است (توجه کنید که نه آتش را می‌پرستیده‌اند و نه خورشید را، بلکه آن‌ها را به عنوان نمادهایی ستایش می‌کرده و محترم می‌شمرده‌اند). هم‌چنین مهرپرستان نمادی داشته‌اند که «گردونه مهری» نامیده می‌شود، و در واقع ارباب‌ای است که مادر خدا ناهید در آن مینشسته و انسان‌ها را برای گذار از ۷ مرحله یا آسمان یاری می‌داده که می‌توان آنرا خورشید دانست. گردونه مهری که در زبان هندی سواستیکا (Swastika) گفته می‌شود جد همان علامت SS هیتلری است که

چون نماد قدرت و زایش بوده در دستگاه حزب نازی به عنوان یم نماد اصیل و باستانی آریایی به کار رفته بود، و معکوس آن (اگر دو تا S را عمودی روی هم بکشید SS به دست می آید) البته هر S از ۳ خط تشکیل می شود، حال اگر به جای آن که خطوط را به سمت راست بشکنید (دو سر S را می گویم) به چپ بشکنید نشان گردونه مهر به دست خواهد آمد. این نشان را در بسیاری بناهای باستانی می توان مشاهده کرد) مثلاً چند نمونه اش در تخت سلیمان یافته بودند، و بسیار شاد بودند از یافته ی خود). این نماد شکل پیچیده تری نیز به خود می گیرد، و بعدتر تبدیل به نمادی می شود که در معماری اسلامی کاربرد فراوان داشته است (برای تصور این یک، مربعی رسم کنید و هریک از خطوط آن را از سمت چپ شان کمی ادامه دهید)